

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه

تحفه‌هایی از گنجینه‌ی معارف امام کاظم علیه السلام (۱)

به ذهنم آمد که چند روایت از آموزه‌های امام کاظم علیه السلام نقل کنم و ان شاء الله خدای متعال این را به عنوان عرض ادبی در محضر این امام بزرگوار از ما پذیرا باشد.

حدیث اول:

امام کاظم علیه السلام فرمودند: «مُجَالَسَةُ الصَّالِحِينَ دَاعِيَةٌ إِلَى الصَّلَاحِ»^۱ می‌خواهید انسان‌های صالحی شوید و صلاحیت پیدا کنید؟ می‌خواهید انسان‌های شایسته‌یی شوید و شایستگی پیدا کنید؟ راهش این است که با انسان‌های صالح و شایسته مُجالس و همنشین باشید، این سبب می‌شود که انسان به سوی صلاح و شایستگی جلب و جذب شود. راحت‌ترین راه برای خوب شدن، همنشینی با خوبان است؛ اینکه انسان با نیکان مُجالس شود. «المُجَالِسَةُ مُؤَثِّرَةٌ»^۲ و لذا برای رسیدن به صلاح ان شاء الله با صالحان همنشین شویم. صالحان در وهله‌ی اول پیامبراکرم، ائمه‌ی هدی و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام هستند؛ ان شاء الله خلوت‌هایی برای نشستن در محضر آنها داشته باشیم یا در زیاراتی که به مرقد مطهر آنها مشرف می‌شویم، با آنها هم‌نشینی کنیم و بیشترین بهره را برای نیل به صلاح به دست آوریم و در مرتبه‌ی بعد دست‌پروردگان، شاگردان و پرورش‌یافتگان مکتب اهل بیت علیهم السلام انسان‌های وارسته، صالح و شایسته‌ای که از مکتب ائمه علیهم السلام درس صلاحیت فرا گرفتند؛ اگر با آنها رفیق شویم و با محبت

^۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۱ و مجلسی، بحار، ج ۱، ۱۴۱.

^۲. دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۲۵، پاورقی.

و صمیمیت با آنها بنشینیم بهترین و سریع‌ترین راه برای نیل به صلاح است پس «مُجَالَسَةُ الصَّالِحِينَ دَاعِيَةٌ إِلَى الصَّالِحِ».

حدیث دوم:

امام کاظم علیه السلام فرمودند: «لَوْ كَانَ فِي يَدِكَ جَوْزَةٌ وَقَالَ النَّاسُ فِي يَدِكَ لَوْلَوْةٌ مَا كَانَ يَنْفَعُكَ وَ أَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهَا جَوْزَةٌ وَ لَوْ كَانَ فِي يَدِكَ لَوْلَوْةٌ وَقَالَ النَّاسُ إِنَّهَا جَوْزَةٌ مَا ضَرَّكَ وَ أَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهَا لَوْلَوْةٌ»^۳ حضرت نکته‌ی خیلی

بزرگی را در قالب یک تمثیل بیان فرمودند. اگر در دست تو یک دانه گردو باشد و همه‌ی مردم به اتفاق بگویند این گوهرِ گران‌بهای است که در دست توست، فایده‌ی برای تو ندارد، سودی به تو نمی‌بخشد در حالی که خودت یقین داری که این گردو است و گوهر نیست و به عکس اگر در دست تو گوهر گران‌بهای باشد و همه‌ی مردم به اتفاق بگویند که در دست تو گردویی بیشتر نیست، از این حرف مردم به تو زبانی نمی‌رسد در حالی که یقین داری و می‌دانی که آنچه در دست توست گوهر گران‌بهای است. نکته‌ی بسیار مهمی است که انسان داورها و سلاطین مردمان را برای ارزیابی امور ملاک قرار ندهد؛ بلکه علم قطعی و یقین خودش را ملاک قرار دهد. اگر با تفکر، اندیشه و تحقیق رسیدیم به اینکه کاری که انجام می‌دهم، کار بسیار شایسته و ستوده‌ی است؛ ولو همه‌ی مردم مرا هو و مذمت کردند و گفتند: او فرد گمراه، امل، مرتجع، عقب افتاده و فنانیکی است از این حرف‌ها ذره‌ی در عزم و اراده‌ی من خلل ایجاد نشود. تشخیص قطعی عقلی خودم را معیار قرار دهم نه پسند و ذائقه و سلیقه‌ی مردم را و بالعکس اگر با اندیشه، تفکر، تحقیق و تعلیم رسیدیم به اینکه کاری خطا و عملی ناشایسته و ناپسند است؛ ولو الآن مد شده، سلیقه‌ها آن را می‌پسندد، اگر کسی این کار را بکند همه برایش هورا می‌کشند، کف می‌زنند، تشویق، تمجید و ستایشش می‌کنند؛ وقتی خودم یقین دارم که این کار نادرست، ناستوده و ناپسندی است، ذره‌ی شوق انجام آن کار با این تشویق و استقبال مردم

^۳ ابن شعبه‌ی حرانی، تحف العقول، ص ۳۸۶ و مجلسی، بحار، ج ۷۵، ص ۳۰۰.

در من ایجاد نشود. یکی از نشانه‌های انسان خردمند و عاقل این است که معیار را تشخیص خودش قرار می‌دهد نه پسند و ذائقه‌ی مردم. ان‌شاءالله این حقایق باید در ما پیاده شود. حرف مردم بر ما ذره‌یی اثر نبخشد. اگر به درستی چیزی که عمل می‌کنیم براساس قرآن، فرمایشات معصومین و سیره‌ی عملی آنها و بر اساس منطق، اندیشه، خرد و عقل رسیدیم، مردم هر چه می‌خواهند بگویند، بگویند؛ ذره‌یی در انجام آن سست نشویم. و اگر به عکس می‌دانیم که قرآن این عمل را محکوم می‌کند، می‌دانیم که اهل بیت این کار را نفی کرده‌اند و خودشان از ارتکاب این عمل پرهیز داشتند، می‌دانیم که عقل و منطق و علم و دانش این عمل را نکوهش و مذمت می‌کند؛ ولو همه‌ی مردم عالم پسندیدند و مدّ روز اعلام کردند و به انجام دهندگان این کار نشان و درجه دادند؛ ذره‌یی رغبت این کار در ما ایجاد نشود. سالک الی‌الله باید این‌گونه باشد؛ والاّ خبری از رسیدن به مقصد نیست. کسی که تابع سلايق مردم و مد روز می‌خواهد زندگی کند، راهی به بساط قرب الهی نخواهد داشت.

حدیث سوم:

حضرت فرمودند: «مَنْ صَدَقَ لِسَانُهُ زَكَا عَمَلُهُ»^۴ می‌خواهید عملتان پاک باشد و اعمال ناپاک و آلوده از شما سر نزنند؟ راهش صدق در لسان است. کسی که در سخن راستگو باشد، عملش پاک خواهد شد؛ چون طبیعتاً انسان دوست نمی‌دارد که خبر از رفتارهای ناپاک خودش به این و آن بگوید از طرف دیگر هم کسی که صدق در لسان دارد، دروغ نمی‌تواند بگوید؛ لذا طبیعتاً در عمل مراقب خودش است که عمل ناپاکی از او سر نزند؛ چون نمی‌خواهد دروغ بگوید. اگر کسی از او پرسید تو چنین کاری کرده‌ای؟ دروغ نمی‌گوید و انکار نمی‌کند. از آن طرف خوشش نمی‌آید بگوید که چنین عمل زشتی انجام داده‌ام؛ لذا کسی که صدق در لسان پیدا کرد، اعمالش هم تزکیه و پاک می‌شود. مضافاً بر اینکه بسیاری از عمل‌ها تبعات و پی‌آمدهای سخن‌های ماست. دروغی گفتیم، حالا پای آن دروغ باید هزار کار خلاف هم انجام دهیم. یک بی‌صداقتی در سخن کردیم، حالا برای اینکه دروغ بودن حرفمان را

^۴. ابن شعبه‌ی حرّانی، تحف العقول، ص ۳۸۸ و مجلسی، بحار، ج ۷۵، ص ۳۰۳.

بپوشانیم، باید کَلِّ جرم و جنایت و عملِ خلاف مرتکب شویم. دلیل ندارد انسانی که راست می‌گوید برای پوشاندن سخن خودش به اعمال نادرست متوسل شود. سخنش راست است، ترس ندارد، نیازی ندارد که آن را با اعمال نادرست بپوشاند. «وَمَنْ حَسَنَتْ نِيَّتَهُ زَيْدًا فِي رِزْقِهِ» و کسی که نیتش نیکو باشد، روزی او افزون می‌شود. پس یکی از عوامل مؤثر در رزق انسان، نیت انسان است. انسان‌های خوش‌نیت هم رزق مادی و هم رزق معنویشان واسع است. «مَنْ حَسَنَتْ نِيَّتَهُ زَيْدًا فِي رِزْقِهِ وَ مَنْ حَسَنَ بَرُّهُ بِأَخْوَانِهِ وَ أَهْلِهِ مُدًّا فِي عُمْرِهِ» و کسی که نیکی کردنش در حق برادران و خانواده‌اش زیبا شد، به برادران و خواهران ایمانی‌اش و به خانواده و بستگانش خیلی قشنگ خوبی کرد «مُدًّا فِي عُمْرِهِ» عمر طولانی پیدا خواهد کرد. پس سبب برکت عمر را هم شناختیم. چون گاهی انسان کار خوبی انجام می‌دهد؛ ولی کنارش منت می‌گذارد. کار خوب را انجام می‌دهد؛ اما جان طرف را می‌گیرد. می‌خواهد چیزی به او قرض دهد، این قدر این دست و آن دست می‌کند تا طرف له می‌شود بعد مثلاً این پول را به او قرض می‌دهد یا کمک مالی‌یی را به او می‌دهد. درست است که کار خیر و احسان کرد؛ اما زیبا انجام نداد. انسان کار خیر می‌خواهد بکند، آن را قشنگ انجام دهد. آن کار نیک را به زیبایی انجام دهد که مایه‌ی طولانی شدن عمر انسان است.

حدیث چهارم:

امام کاظم علیه السلام فرمودند: «إِيَّاكَ أَنْ تَمْنَعَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ فَتُنْفِقُ مِثْلِيهِ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ»^۵ برحذر باش که از خرج کردن در مسیر طاعت خدا دریغ ورزی، چرا؟ چون در آن صورت دو برابر چیزی که قرار بود در راه خدا خرج کنی و نکردی را در مسیر معصیت خدا هزینه خواهی کرد. فکر نکن آن پول دستت می‌ماند. مسیری جلویت باز شد، کار خیری بود که رضایت الهی در آن بود و تو می‌توانستی این مبلغ را هزینه

^۵ ابن شعبه‌ی حرانی، تحف العقول، ص ۴۰۸ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۲۰.

کنی؛ اما خستت به خرج دادی و این پول را در راه رضایت الهی خرج نکردی؛ فردا ناچاری دو برابر
همین پول را در مسیر معصیت خدا خرج کنی، گفت:

هر که گریزد ز خرابات شام بارکش غول بیابان شود

نه تنها معادلش بلکه دو برابر آن را، آن هم نه در مسیر طاعت بلکه ناچار است در مسیر معصیت
هزینه کند. پس چرا وقتی کار خیری پیش می‌آید، دستمان در جیبمان نمی‌رود؟ «إِيَّاكَ أَنْ تَمْنَعَ فِي
طَاعَةِ اللَّهِ فَتُنْفِقَ مِثْلَيْهِ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ» این فقط پول نیست. انسان می‌تواند توانایی و قدرتش را خرج کند،
آبرو و وجهتش را در مسیر رضایت الهی خرج کند. فقط پول نیست که بعضی‌ها بگویند ما اصلاً پول
نداریم پس این حدیث راجع به ما نیست. نه، گاهی اوقات انسان می‌تواند آبرویش را برای جلب رضایت
الهی، برای عملی که مورد پسند خدا و طاعت پروردگار است خرج کند. اینجا آبرویت را خرج نکردی،
فکر نکن آبرو محفوظ می‌ماند؛ تو به ناچار فردا در مسیر معصیت خدا دو برابر این آبرو را هزینه
می‌کنی. پست و مقام و قدرت سازمانی داری که می‌توانی از این موقعیت شغلی در مسیر طاعت خدا
خرج کنی، نکردی؟ صبر کن دو برابر آن را در مسیر معصیت خدا خرج می‌کنی. ترسیدی این پست و
مقام از دستت برود؟ حالا ببین چه برسرت می‌آید؟ و همین‌طور برو جلو، علم و دانش داری و دریغ
کردی؟ نگفتی؟ نگه داشتی برای اینکه مشتری جلب کنی و بعداً بگویی؟ با قیمت بیشتری بگویی؟
صبر کن و ببین مجبور می‌شوی دو برابر آن را در مسیر معصیت خدا هزینه کنی. «إِيَّاكَ أَنْ تَمْنَعَ فِي
طَاعَةِ اللَّهِ فَتُنْفِقَ مِثْلَيْهِ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ».

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ